



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه بوادران غفاری، پلاک ۲۶ تلفن: ۸۸۹۸۶۸۲۹-۳۷ نامبر: ۸۸۹۸۶۸۲۸ کوچه آبگهی‌ها: ۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰ امور مشترکین: تلفن: ۲۲-۸۸۸۱۴۲۳ توزیع شرکت پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰ چاپ گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۲۲ www.sharghdaily.ir

تهران : آذان ظهر ۱۲:۰۸ آذان مغرب ۱۷:۴۸ آذان صبح فردا ۵:۲۴ طلوع آفتاب ۶:۴۸

شرق

روزنامه

یکشنبه = ۲۹ بهمن ۱۳۹۱ = ۶ ربیع‌الثانی ۱۴۳۴ = ۱۷ فوریه ۲۰۱۳ = سال دهم = شماره ۱۶۷۴ = ۱۶صفحه

تولدی دیگر

شوالیه آواز ایران «شهرام ناظری» ۶۳ ساله شد

کیمیایی در پهنه هنر ایران

هنر این سرزمین غنیمت است چرا که او نه‌تنها از صدای یگانه‌ای برخوردار است، بلکه انسانی والا نیز هست. نه‌تنها استاد یکه آواز است، بلکه تواضع و خضوع و فروتنی و خونگرمی منحصر به فردی نیز دارد. او به قدری مآخوذ به حیاست که گاهی سربه‌زیری‌اش برای برخی از هوالاران، این سوءتفاهم را ایجاد می‌کند که میبانا این سر به زبری از سرر غرور باشد. حال اگر گز این‌گونه نبوده است. این بزرگمرد موسیقی ایران، خلق و خوبی خاکی دارد و همین رفتار بزرگ‌منشانه‌اش را بنیاید در ترقی جایگاهش نادیده گرفت.

او تاکنون نتوانسته است قطعات فراوانی را در دستگاه‌های مختلف موسیقایی اجرا کند و چولگویی انواع و اقسام سلیقه‌ها نه‌تنها در ایران که در سرتاسر جهان باشد. باید قدر او را دانست چرا که در پهنه هنر این سرزمین چونان او کیمیاست.



داریوش پیرنیاکان

«شهرام ناظری» یکی از بهترین و خوش‌نَفس‌ترین خوانندگان حال حاضر موسیقی این سرزمین است و در بین خوانندگان ایرانی صدای منحصر به فردی دارد. صدای استوار او مناسب برای اجرای آوازهای حماسی است. تاکنون با اکثر هنرمندان در فضای موسیقی بعد از انقلاب همکاری داشته به‌این‌ترتیب نتوانسته است آثار ماندگاری را در تاریخ موسیقی ایران از خود به یادگار بگذارد. به عنوان یک آهنگساز ایمان دارم که تا به حال هیچ‌کس چون او در قالب حماسی نتوانسته است اینچنین پرشور و باحلاوت بخواند. حضور افرادی چون «ناظری» در پهنه

سختکوش و توانا



فرهاد فخرالدینی

از سال‌ها پیش با «شهرام ناظری» رفیق و همراه هستم و در این سال‌ها همواره شاهد سختکوشی و کوشش او در راه ارتقای موسیقی این سرزمین بوده‌ام. صدای خوب و دلنشین او و همچنین سبک خاص و منحصر به فردش خوشبختانه همواره مورد توجه مردم و همینطور روشنفکران بوده است. هرگز نباید فراموش کنیم که اگر کسی چون او، امروز در موسیقی این سرزمین از جایگاه والایی برخوردار است، این موفقیت مرهون سختکوشی و پشتکار فراوانش است. برای او آرزوی سلامتی و تندرستی دارم. عمرش دراز باد.



نوشیروان کیهانی زاده

سال‌گشت وفات مولف تاریخ طبری

۱۶ فوریه ۹۲۳ میلادی (۳۰۱ هجری خورشیدی) روزی است که ابوجعفر محمد جریر طبری تاریخنگار شهر ایران و مولف تاریخ «خبر الرسل و الملوک» از این دنیا رفت. اثر مهم او که در ۱۶ جلد انتشار یافته به «تاریخ طبری» معروف است. محمد جریر از مردم طبرستان (تپورستان = مازندران) بود که علاوه بر تاریخ بسیار مفصل خود، چند تالیف و تفسیر دیگر هم دارد. در آن زمان، همانند اروپا که تا قرون جدید، کتابهای فلسفی، تاریخ و علوم به زبان لاتین (زبان کلیسا) تالیف می‌شد تا در همه سرزمین‌های مسیحی مخاطب داشته باشد؛ بیشتر نویسندگان ایرانی هم این قبیل کتاب‌ها را به عربی می‌نوشتند تا در سراسر جهان اسلامی انتشار یابد و خوانده شود. بنابر این، محمد جریر هم تالیف خود «خبر الرسل و الملوک» و «لامم و الملوک» را به عربی نوشت که به دستور منصور سامانی، وزیر یوی اوعی محمد بلعمی آن را به پارسی برگردانید که نثری روان، ساده و دلنشین است. طبری آغاز قیام ایرانیان برای تأمین استقلال وطن را شاهد بود. محمد جریر در مقدمه تالیف خود نوشته است که هدف او از این کار پرزحمت، خبر رساندن و آگاهی دادن از حوادث ایام ملوک، پیامبران و خلیفگان از آغاز خلقت است و کارهایشان را بگویم تا کوتهی آنان روشن شود. وی در این مقدمه نوشته‌است که آنچه را که آورده از قول راویان و نقلان است و از او نیست و درستی آنها را جز آنچه که در زمان خودش یا نزدیک به عصر خودش بوده، تضمین نمی‌کند.

مولفان تاریخ «تاریخ‌نویسی»، فایده تاریخ و تاریخ‌نگاری در کتب خود، مقدمه‌ای را که طبری بر تالیف بزرگ خویش

«خبر الرسل و الملوک»

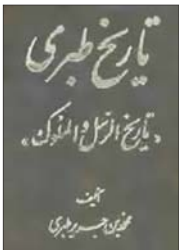
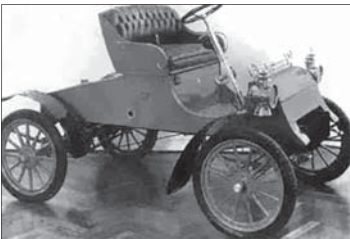
برنگاشته، تفسیر کرده‌اند که هدف اصلی از دانستن تجربه گذشتگان (خواندن تاریخ) است تا به همان‌گونه که طبری گفته است از کوتهی (اشتباه و غفلت) دیگران درس بگیرند و تکرار نکنند که گریزی از دادگاه «تاریخ» و مجازات ابدی آن نیست.

نظرات کالینگود درباره مطالعه و فلسفه تاریخ

پروفسور «ابین جورج کالینگود» تاریخ‌دان و فیلسوف انگلیسی که ۲۱ فوریه ۱۸۸۹ به دنیا آمد و ۵۴ سال عمر کرد در زمینه فلسفه عقیده دارد که ریشه فلسفه را باید در تاریخ جست‌وجو کرد، نه در علوم و تاریخ باستان را با بررسی

سکه‌ها، سنگنبشته‌ها، آثار هنری، معماری و اکتشافات تازه باستان‌شناسی، دوباره‌نویسی کرده‌است. با یک نگاه به تصویر سنگ‌تراشیده داریوش در پرسپولیس اُخت جمشید، لباس، کلاه و کرسی او می‌توان به عظمت تمدن و پیشرفت ایران باستان (پرشیا) پی برد. کالینگود که نیم‌واژه‌ی ۱۹۴۳ در گذشت در زمینه فلسفه تاریخ (وجود نیرو و عامل واحد یا چند نیروی مشخص حاکم بر شکل‌گیری تاریخ و به عبارت دیگر، تکرار رویداد)، هم‌عقیده «هگل» بود. او در مطالعه تاریخ، توجه و دقت به تفکرات چهارپهلوی تاریخی دارد که برانگیزاننده آنان به انجام کارهای مهم، نوسازی‌ها، تغییرات، اصلاحات و انتقالات بوده‌اند.

به نظر کالینگود، بهتر است هر مورخ، ضمن شرح



رویدادها، به تحلیل آنها از دیدگاه خود بپردازد تا کتب تاریخ متنوع باشند او تعریف «آزادی کامل» را در پرداختن فرد به آنچه را که بخواهد ارائه دهد و بگوید خلاصه درس بگیرند بنابراین ممانعت از خلاقیت را عملی خلاف آزادی دانسته است. از دیدگاه کالینگود، هرگونه خرافیت در هر زمینه انه فقط در موسیقی، نقاشی و تئاتر، هنر به‌شمار می‌آید. کالینگود نیز تاریخ‌نگاری را ادامه روزنامه‌نگاری دانسته و تأکید بر افزودن سابقه تاریخی یکی خبر (رویداد روز) را بر آن دارد که از آن زمان رواج یافته‌است و این سابقه‌نویسی بر خبر بنیاید به صورت تفسیر آن برآید که «تفسیر» نظر» از «خبر که باید مطلق باشد»

جداست. کالینگود، تاریخ‌نگاران و روزنامه‌نگاران را «مردان فکر» لقب داده است. کالینگود که ۱۹ کتاب و ۱۲۱ رساله و مقاله از خود به جای گزارده است، تأکید بر این دارد که سیاستمداران و دولتمردان باید «تاریخ» را مطالعه کنند تا اشتباهات تکرار نشود و از خود نام نیک باقی بگذارند. کتاب‌های معروف کالینگود عبارتند از: فلسفه تاریخ، ایده تاریخ، اصول هنر (خلاقیت)، درباره روش فلسفی، «رومن برنتین» درباره فن و حرفه تاریخ‌نگاری و…

»

»

ژان لویی بالزاک نویسنده فرانسوی که شیوه سادمنگاری را که اینک جهانی شده عمومی ساخت، هجدهم فوریه سال ۱۶۵۴ در ۶۹ سالگی در گذشت. تا زمان بالزاک نویسندگان

آکادمی

اعزام ۲۰هزار امدادگر برای پاکسازی بقایای شهاب‌سنگ

از آن سوخت و قطعاتی از بدنه اصلی در نقاط مختلف پراکنده شده است. ساکنان محلی گفته‌اند این شهاب‌سنگ را دیده‌اند که مانند یک «گلوله بزرگ آتش» بر فراز آسمان شهر یکتاثرنیسورگ ظاهر شد و پس از مدتی، با صدایی مهیب به زمین برخورد کرد. یکی از ساکنان چلیابینسک می‌گوید شهر به



شکستن شیشه جراحات برداشت‌اند. کارشناسان گفته‌اند که پس از ورود این شهاب به جو زمین، بخش زیادی

شعرهای تازه مجابی در «سوار قطار فردا»

ایسنا: «جواد مجابی» از انتشار مجموعه شعرش با عنوان «سوار قطار فردا» در آینده نزدیک خبر داد. این شاعر و نویسنده با بیان اینکه چند کتاب آماده انتشار دارد، گفت: مجموعه شعر «سوار قطار فردا» که از سوی انتشارات ثالث برای گرفتن مجوز نشر رایبه شده بود، به تازگی مجوز نشر گرفته است و به‌زودی چاپ می‌شود. او درباره این مجموعه شعر توضیح داد: شعرهای این مجموعه را در سه، چهار سال اخیر گفتم‌ام. بیشتر آنها نیمایی است و برخی نیز شعرهای موزون هستند که مضامین اجتماعی دارند که مجموعه‌ای در حدود ۲۰۰ صفحه‌است.



کارتون خواب

هادی حیدری

cartoononline.persianblog.ir



برج و مناره

دوگانگی خسته‌کننده تهران



مهدی افشارنیک

● تهران نوشتن کاری نسبتاً آسان است. به هر لیه و گوشه‌اش نگاه کنی مفصل نقد و سخن می‌توان از آن در آورد. آلودگی، ترافیک، ساخت‌وساز و تلمین نیازهایش، محدوده مسکونی، هاله صنعتی‌اش، شبکه بزرگ‌راهی و چنوپچه، سوزه فراهم است. اغلب هم گرفتاری‌ها تاریخی شده‌اند و شکل سنت به خود گرفته‌اند. سخن‌ها بیشتر حول کالبد این شهر و قواره ظاهری‌اش است. اما کسی با روح و باطن این شهر چنان که باید، کاری ندارد. اصلا این شهر روح دارد؟ یعنی یک معنای واحد و یک دست و همگون را می‌توان از جشمش بیرون کشید و فهم کرد؟ به طور معمول و مد روز شده این روزها، در نظرها این‌گونه تصور می‌شود که تهران قدیم یک شهر خوب بوده است. مهر خورده و نظر کرده. پر از چنارهای عباسی و آب کرج و هوای خوش باغ‌های ری و نسیم دل‌انگیز خنکای شمیران. در واقع «تهران بازان» دوست دارند روح تهران را در قاب قدیم و کهن به تصویر بکشند، چرا که کسی از تهران نو و تازه، دفاعی ندارد. معماری‌اش شلم شوربایی است. ساکن اصل و ریشه‌دار ندارد. یک دستی فرهنگی بین محلاتش نیست. محلات قدیمی‌اش یا از بین رفته‌اند یا به محلاتی قسرو افتاده‌تر بدل شده‌اند. بهر سکونت، پادمان‌های قدیمی‌اش چون بازار و محلات اطرافش از مدار هویتی خود خارج و به چیزی بدل شده‌اند که نه این است و نه آن. تهران نوین برای تهران دوستان چنان دل‌انگیز نیست و شهر بخت‌های سیاه است و «هی‌مرده ریگ، ویران نو». تهران قدیم «خاتم زمان» است. و مادر و پناده‌هنده. کمی دقت کنیم گرفتاری اصلی تهران همین دوگانگی است. شهری که هم دکتر فاطمی عزیزش است و هم ستارخان. هم شیخ‌فضل‌الله نوری را پلس می‌دارد هم ستارخان. هم سفارت انگلیس درش است و هم خیابان بابی سندرز. در هر گوشه‌ای از شهر از دوره‌های مختلف پادمان‌هایی به جا مانده است. بازار از عهد صفوی و قاجار، شمس‌العماره و کاخ گلستان از قاجار. بانک ملی و کاخ دادگستری از پهلوی اول. ساختمان شرکت نفت و استاندوم و برج آزادی از پهلوی دوم و بزرگراه‌هایی چون یادگار و نواب از دوران سازندگی و برج میلاد هم از آن این روزگار. این دنگاه‌ها که هر کدام حاکی از دوره‌ای و اندیشه‌ای بوده است با هم ناسازند. در یک سمفونی گرد هم نمی‌آیند. بانک ملی بازار وقتی می‌خواهد به پا شود باید تکیه دولت خراب شود. نمادهایی در تقابل، میراث این روزها ما شده. در واقع تحلیل نمادها واکاوی روح تهران است. شاید بتوان از این گذر به یک دستی رسید و از این دوگانگی خسته‌کننده رها شد. هر چه قدیمی و کهن است خوب و خبر می‌شود و هر چه نو و تازه مایه سرگیجه شهر است. کاری که می‌توان در این ستون هفتگی، به آن نشست. تحلیل نمادهای مختلف تهران چه تاریخی و چه امروزی. تا حاضر تش چه رقم زند.

۱. منظومه «تهران» محمدرضا مدیحی

۲. اشاره به شعری از محمدعلی سپاهلو

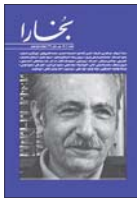
مخبّر الدوله

انتشار ناگفته‌های «عنایت‌الله رضا»

● ایسنا: کتاب «ناگفته‌ها: خاطرات عنایت‌الله رضا» از سوسی نشر نامک منتشر شده است. بر اساس مقدمه ذکرشده در کتاب، این اثر متن پیداشده و بازنگری‌شده ۳۳ گشت‌وگو، هفته‌ای یک نشست چندساعته در مدتی بیش از هشت‌ماه با عنایت رضاست. در این نشست‌ها و گفت‌وگوها و عبدالحسین آذرنگ، علی پرهامیان، صادق سجادی و علی همدانی حضور داشته‌اند. گفت‌وگوکننده‌ها در مقدمه کتاب می‌نویسند: استاد رضا از سال ۱۳۶۵ به جمع مولفان دایره‌المعارف بزرگ اسلامی پیوست. او پیش از آنکه به جرگه اصحاب دایره‌المعارف بپیوندد، همه توان و وقتش را مصروف پژوهش و نگارش می‌کرد. زمانی که ما از نزدیک با او آشنا شدیم، با استاد پژوهشگر باتجربه‌ای روبه‌رو بودیم که با وجدان، دقت علمی، نیز با عشق و شوری فراوان به تاریخ و فرهنگ ایران‌زمین و به‌ویژه به بخش‌های شمال و شمال‌غربی ایران فرهنگی، که آماج چندین و چندگونه مطالع سوء بوده است، در عین حال با حساسیتی عاطفی، کندو کاو می‌کرد و قلم می‌زد. گذشتۀ سیاسی اصولا در قلمروهای پژوهشی هیچ‌یک از ما قرار نمی‌گرفت، اما پنهان نبود که استاد ساز زندگی ماجراجویانه، پر افت و خیز، پر تنش و پررنجی را پشت سر نهاده است. او مردی خیر، خاطره، پراطلاع و روزگاردیده بود، هر گاه به مناسبتی موضوعی به میان می‌آمد که درباره آن اطلاع یا خاطراتی داشت، حرف‌هایش شنیدنی می‌شد، به‌ویژه در زمینه‌های فکری و سیاسی که عمرش را بیشتر در آنها صرف کرده بود. عنایت‌الله رضا سال ۱۲۹۹ به دنیا آمد و تیرماه سال ۱۳۸۹ از دنیا رفت.

دکه

نودمین «بخارا» آمد



مطالب مهم:

آشنایی زدایی) محمدرضا شفیعی کدکنی صفحه

۱۲- واژه سبج و کاربرد آن/ ژاله آموزگار صفحه ۲۲-

فلسفه و جامعه و سیاست/ عزت‌الله فولادوند صفحه

۵۵- کوبه به کوه نمی‌رسد ولی آدم به آدم می‌رسد/

محمدابراهیم باستانی بازیری صفحه ۱۰۴- شعر

هوشنگ ابتهاج (سایه) و متن سخنرانی در دانشگاه

UCLA صفحه ۱۷۰- شب آیدین آغداشلو و

گزارش شب آیدین آغداشلو/ شهاب دیباشی صفحه

۳۴۲ - عقیده مجتبی مینوی درباره خلق و خوی

احمد کسروی صفحه ۲۹۸ - قلم‌رنجه/ سادمنگاری

ولی نه سادمنگاری/ پناه‌الدین خرمشاهی صفحه

۳۴۶- شب بهاالدین خرمشاهی و گزارش شب

استاد بهاالدین خرمشاهی/ ارخشانه صفامش صفحه

۳۸۹- شب ژان‌ژاک روسو و گزارش شب ژان‌ژاک

روسو/ اثر صدا دانش صفحه ۴۷۲

مطلب پیشنهادی‌شوق:

نقد کتاب در «دامگه خادنه» نوشته: پرویز ثانی صفحه ۶۲۱ / نوازش قلمی در هوای دل‌نگی، جواد مجابی، صفحه ۳۰۵